

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



هیئت معارف جنگ
شهید سپهبد علی میاد شیرازی

مواضع آمریکا در جنگ تحمیلی؛

«از مساعدت تا مشارکت آشکار»

شاداب عسگری

سرشناسه	: عسگری، شاداب، ۱۳۴۱ -
عنوان و نام پدیدآور	: مواضع آمریکا در جنگ تحمیلی؛ «از مساعدت تا مشارکت آشکار» / شاداب عسگری؛ [به سفارش] هیئت معارف جنگ شهید سپهبد علی صیادشیرازی.
مشخصات نشر	: تهران: ایران سبز، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	: ۴۳۲ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۱۶-۰۰-۶
وضعیت درست نویسی	: فیفا
موضوع	: جنگ ایران و عراق، ۱۳۶۷-۱۳۵۹ -- دخالت ایالات متحده
شناسه افزوده	: ایران. ارتش. هیأت معارف جنگ شهید سپهبد علی صیاد شیرازی
رده بندی کنگره	: DSR ۱۶۰۰/ع۵م۸ ۱۳۰۱
رده بندی دیویی	: ۰۸۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۲۰ ۴۵۷

مؤلف: شاداب عسگری

ناظر علمی - تخصصی: سرتیپ ستاد ناصر آراسته

نوبت و سال چاپ: اول / ۱۳۹۳

شمارگان: ۲۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۴۱۶-۰۰-۶

ناشر: انتشارات ایران سبز

مرکز پخش: تلفن ۲۲۴۸۸۷۵۶ نمابر ۲۲۴۸۸۶۵۰ - صندوق پستی ۵۵۴-۱۹۵۷۵

قیمت: ۱۱۰۰۰ تومان

حق چاپ برای هیئت معارف جنگ «شهید سپهبد علی صیاد شیرازی» محفوظ است.

از همه نگارندگان حوادث جنگ و همه کسانی که توان
انجام وظیفه در این مهم را دارند، درخواست می‌کنم از ثبت و
صیقل جزئیات این دوران غفلت نکنند و این گنجینه تمام
نشدنی را برای آیندگان به ودیعه بگذارند.

امام خمینی (ره)

می‌خواهم بگویم که این جنگ بزرگ گنج است. آیا
خواهیم توانست از این گنج استفاده کنیم؟ آن هشت سال
جنگ بایستی تاریخ ما را تغذیه بکند.

مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای

معارف جنگ

«معارف جنگ» مجموعه‌ای از یافته‌ها، ذخایر و دست آوردهای جبهه‌های نبرد حق علیه باطل است که خداوند متعال به پاس فداکاری‌ها، ایثارگری‌ها و برکت خون شهدای والامقام، نصیب رزمندگان اسلام نموده و از سینه‌های جوشان آنها به سینه‌های پاک و تشنه نسل جوان انقلاب اسلامی منتقل می‌گردد.

سازمان افتخاری «هیئت معارف جنگ» از پاییز سال ۱۳۷۳، با تصویب حضرت امام خامنه‌ای و بنیانگذاری سیر برافراز ارتش اسلام «شهید سپهبد علی صیاد شیرازی» و حمایت‌های مادی و معنوی مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا، این رسالت مهم را با روحیه متعالی بسیجی برعهده گرفته و مفتخر است با الهام از کلام نورانی خداوند متعال مبنی بر «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» صدق و تلاش دسته جمعی در این وادی مقدس گام نهاده و این رسالت افتخار آمیز را که با گرایش «پشت - فرهنگی - عملیاتی و آموزشی» شکل گرفته است ادامه دهد و در این راه امید به لطف و یاری خداوند متعال دارد.

شیوه کار هیئت معارف جنگ در گردآوری تجارب جبهه‌های نبرد بدین ترتیب بوده است که براساس زمان و مکان هر عملیات، یعنی رزمندگان اسلام که در آن عملیات نقش مهمی را برعهده داشته‌اند به منطقه عملیات عزیزان و یادآوری خاطرات خود در صحنه نبرد و برداشتهای تحریری، صوتی و تصویری، مجموعه‌ای از حقایق و واقعیتهای تلخ و شیرین را گردآوری نموده و در نهایت بعد از تطبیق آنها با مدارک و اسناد جبهه‌های نبرد در مسیر تدوین قرار داده اند.

آموزش معارف جنگ نیز از سال ۱۳۷۴ به صورت نظری و عملی برای هر دوره از دانشجویان سال ۳ دانشگاه افسری امام علی (ع) نیروی زمینی و از سال ۱۳۸۰ در کلیه دانشگاههای افسری ارتش جمهوری اسلامی ایران به اجرا در آمده و تا زمان نگارش این کتاب بیش از ۲۰ هزار نفر از فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های مزبور را در دو مرحله نظری و میدانی مورد آموزش قرار داده است.

هیئت معارف جنگ همچنین از سال ۱۳۸۸ آموزش کارکنان وظایف در مقاطع تحصیلی فوق‌دیپلم، لیسانس، فوق لیسانس و دکترا در مراکز آموزش وظیفه را پی‌ریزی نمود. این عزیزان در زمان آموزش مقدماتی و قبل از عزیمت به یگان‌های سازمانی خود به مدت ۱۶ روزه آموزش معارف جنگ را در ساعات فوق برنامه طی نموده که تا زمان چاپ این کتاب بیش از ۲۰۰ هزار نفر از کارکنان وظیفه که فارغ‌التحصیل دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور می‌باشند، آموزش نظری معارف جنگ را فرا گرفته‌اند.

هیئت معارف جنگ «شهید سپهبد علی صیاد شیرازی»

فهرست مطالب

۱۳	مقدمه
۲۷	فصل اول: پیشینه روابط ایران و آمریکا
۳۰	روابط ایران و آمریکا
۳۱	استخدام مستشاران آمریکایی در ایران
۳۲	ورود مستشاران نظامی آمریکا
۳۳	تشدید حضور مستشاران آمریکایی
۳۶	میسون نظامی بیگانه در ایران
۴۴	افزایش نفوذ مستشاران آمریکایی
۴۵	عملکرد مستشاران آمریکایی در ایران
۴۷	توسعه و تقویت روابط ایران و آمریکا
۴۹	دلایل حضور مستشاران در ایران
۵۵	ایران، عامل منطقه‌ای
۶۰	ایجاد سازمان اطلاعات و امنیت کشور
۶۲	فعالیت شبکه‌های اطلاعاتی آمریکا در ایران
۶۷	اهداف آمریکا از ژاندارمی ایران
۷۰	پیروزی انقلاب و ایجاد بحران توسط عراق
۷۲	پیروزی انقلاب اسلامی و دگرگونی ساختار امنیتی منطقه
۷۷	آمریکا و اتخاذ راهبردی جدید

۸۵	تمایلات صدام برای برقراری ارتباط
۸۷	فصل دوم: روابط اقتصادی ایران و آمریکا در دهه اول انقلاب
۸۹	لغو قراردادهای نظامی
۹۲	اشغال سفارت آمریکا در تهران
۹۴	آغاز تحریم‌های آمریکا
۹۵	تحریم‌های اقتصادی بعد از پیروزی انقلاب
۹۷	مذاکرات و توافقات سال ۱۹۸۱ الجزایر
۱۰۰	بیانیه الجزایر
۱۰۶	بیانیه دوم
۱۰۷	عدم پایبندی آمریکا به توافقات الجزایر
۱۰۸	مطالبات ایران از آمریکا
۱۰۹	الف) مطالبات نقدی
۱۰۹	ب) اموال دیپلماتیک
۱۰۹	ج) سایر مطالبات
۱۱۰	د) میزان وجوه پرداخت شده
۱۱۱	مرحله دوم پرداخت وجوه
۱۱۲	باقیمانده نامعلوم
۱۱۳	بیانیه نیمه‌کاره، پرونده‌های مفتوح
۱۱۴	توسعه تحریم‌های اقتصادی

۱۲۱	اقتصاد آمریکا در جنگ
۱۲۳	فصل سوم: راهبرد نزدیکی آمریکا به عراق
۱۲۵	روابط آمریکا با بعثی‌ها
۱۲۵	گشایش دفتر نمایندگی و حفظ منافع
۱۲۶	رصد تحولات حکومت بعث عراق
۱۳۰	چگونگی انتشار حکومت بعث عراق در مقطع پیروزی انقلاب
۱۳۵	عراق، ژاندارم خلیج فارس
۱۳۸	علل نزدیکی دولت عراق به آمریکا
۱۴۰	آمریکا - عراق و گسترش تسلط
۱۴۴	برقراری مجدد ارتباطات
۱۴۸	تخلفات قانونی عراق قبل از شروع رسمی جنگ
۱۵۱	بررسی نقش آمریکا در آغاز حمله عراق به ایران
۱۵۹	فصل چهارم: تبیین نقش سازمان CIA در جنگ تحمیلی
۱۶۰	سازمان CIA و جمع‌آوری اطلاعات
۱۶۳	عملکردهای اطلاعاتی CIA
۱۶۴	ایجاد شرکت با هدف تأمین نیازهای اطلاعاتی CIA
۱۶۸	شبکه‌های جاسوسی فنی ایالات متحده
۱۷۳	استخدام عامل انسانی (جاسوسان)
۱۷۷	حمایت از گروه‌های تجزیه طلب

- ۱۸۲ ۱- فعالیت احزاب ضدانقلاب در کردستان
- ۱۸۵ ۲- درگیری در گنبد
- ۱۸۷ ۳- غائله خوزستان
- ۱۹۳ ۴- بلوا در بندرانزلی
- ۱۹۵ تحولات عراق: تعامل با گروهک‌های تجزیه طلب
- ۱۹۷ استفاده از گروهک‌ها و فرقه‌های ضدانقلاب
- ۱۹۸ الف) فرقه صافقیه
- ۲۰۵ ب) گروهک شریعیان
- ۲۱۰ ج) بختیار و کودتای ۲۸ مرداد
- ۲۱۹ د) نهضت آزادی
- ۲۲۱ فصل پنجم: جنگ و روابط اقتصادی آمریکا با عراق
- ۲۲۱ شروع روابط اقتصادی
- ۲۲۴ تقویت روابط اقتصادی
- ۲۳۰ کمک‌های اقتصادی کشورها به عراق
- ۲۳۲ کمک‌های اقتصادی کشورهای عربی به عراق
- ۲۳۴ کمک‌های همه جانبه مصر و اردن
- ۲۴۰ اقدامات عربستان سعودی و کویت
- ۲۴۷ کمک سایر کشورهای حاشیه خلیج فارس به عراق
- ۲۴۹ فرانسه و کمک به عراق

- ۲۵۰ کمک‌های نظامی انگلیس
- ۲۵۱ میزان کمک‌های آلمان به عراق
- ۲۵۲ چگونگی تسلیح عراق توسط شوروی
- ۲۵۶ روابط حزب بعث عراق با رژیم صهیونیستی
- ۲۶۲ نقش‌های بدیل آمریکا در تسلیح عراق
- ۲۶۵ فصل ششم: آمریکا و عراق در تعامل اطلاعاتی
- ۲۶۶ شروع همکاری اطلاعاتی
- ۲۶۹ تبیین همکاری آمریکا با عراق
- ۲۷۰ مرحله دوم از همکاری اطلاعاتی
- ۲۷۴ کمک اطلاعاتی آمریکا، دلیل طولانی‌تر شدن جنگ
- ۲۷۸ سومین دوره همکاری
- ۲۸۰ همکاری سایر سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا با عراق
- ۲۸۲ تغذیه اطلاعاتی در آخرین سال جنگ
- ۲۸۳ کمک‌های اطلاعاتی سایر کشورها به عراق
- ۲۸۴ رفتار اطلاعاتی - نظامی ایالات متحده آمریکا
- ۳۰۱ تأثیر کمک‌های اطلاعاتی - نظامی آمریکا به عراق
- ۳۰۳ فصل هفتم: هشت سال دفاع مقدس
- ۳۰۵ اقدام‌های اجرائی عراق برای شروع بحران
- ۳۰۶ دلایل شروع جنگ

۳۱۲	تشریح رویدادهای دفاع مقدس
۳۲۳	عملیات‌های برون مرزی
۳۲۵	آغاز عملیات والفجر
۳۲۹	جنگ نفتکش‌ها
۳۳۲	تسلیم خاک عراق
۳۳۷	ماجرای ایران گیت
۳۴۳	سال آخر جنگ
۳۴۶	قطعه‌نامه ۵۹۸
۳۴۹	افزایش خرید و انباشت سلاح
۳۵۰	پایان جنگ
۳۵۳	استفاده از جنگ افزارهای شیمیایی
۳۵۴	جنايات صدام در استفاده از سلاح‌های شیمیایی
۳۵۸	نقش آمریکا در تسلیح صدام به سلاح شیمیایی
۳۶۲	دخالت‌های مستقیم آمریکا
۳۶۵	اعترافات و اظهارات مقامات آمریکایی
۳۷۶	روز شمار دخالت‌های نظامی آمریکا
۳۹۳	ضمائم
۴۱۷	منابع

مقدمه

پیشینه روابط ایران با ایالات متحده آمریکا به ۱۳۲۰ شمسی (۱۹۴۱م) باز می‌گردد که زمینه را برای ظهور الگوی مداخله جویانه آمریکا، پس از جنگ جهانی دوم، مهیا ساخت. از این مرحله تاریخی، ایران به عنوان پایگاهی مستحکم برای اجرای راهبردهای منطقه‌ای آمریکا و مد محکمی برای مقابله با تهدیدات اردوگاه شرق به رهبری شوروی، برای غرب و به خصوص ایالات متحده آمریکا ارزش فراوانی یافته بود، به گونه‌ای که این کشور برای حفظ این پایگاه حتی در مه‌ای از انجام کودتا نیز فروگذار نکرده و با ساقط کردن دولت قانونی و ملی ایران، دولت دلقو و مورد نظر خود را مستقر نمود و تلاش فراوان کرد تا ایران در جهت منافع آمریکا و رژیم صهیونیستی اداره شود.

از این رو، حکومت ایران در سال ۱۹۷۰ میلادی، در راستای تأمین منافع بلوک غرب، حتی در تحریم‌های نفتی کشورهای عربی علیه رژیم صهیونیستی شرکت نکرده بود. ایران، کشوری که در سال ۱۳۵۷ به تقریباً دو برابر جمعیت تمام کشورهای دیگر منطقه خلیج فارس برخوردار بود و مرزی حدود ۲۵۰ کیلومتری با شوروی در شمال داشت و در منطقه جنوبی هم بر تنگه هرمز و گذرگاه نفتی بسیار با اهمیت و با اشراف داشت. ایران، از ده درصد ذخایر ثابت شده نفتی برخوردار بوده و دومین خلیج‌گرونی دنیا در این کشور، واقع شده بود. تنگه راهبردی «هرمز» که مسیر عبور میلیون‌ها تن نفت و گاز منطقه را به سراسر جهان هموار ساخته و از آن به عنوان مسیر تردد کشورهای آسیای شرقی نیز نام برده می‌شود، در آب‌های ساحلی این کشور قرار دارد.

کشور ایران، پایگاه مطمئن آمریکا در منطقه‌ای صد در صد راهبردی و حیاتی الجیشی محسوب می‌گردید که در سال ۱۳۵۶ جیمی کارتر، ریاست جمهوری آمریکا از آن به عنوان «جزیره ثبات» یاد نمود. از این رو، حاکمیت نظام مستقل سیاسی در ایران و منطقه غرب آسیا، می‌توانست تا منافع ایالات متحده در ایران، منطقه و حتی در سطح دنیا، در تمامی حوزه‌ها و به ویژه در زمینه‌های امنیتی و اقتصادی را دستخوش تهدیدهای جدی قرار داده و

تمامی باورها و برنامه‌های راهبردهای طراحی شده آمریکاییان در سطح منطقه و جهان را با چالش‌های جدی روبرو سازد. تحت این شرایط ایالات متحده هیچ‌گاه مایل نبود و اساساً نمی‌توانست از کشور ایران که با حرکت استقلال‌خواهی، ضد استکباری و ضد استبدادی به تلاطم افتاده بود، چشم‌پوشی کند. در همین راستاست که طی مراحل متعددی، درصدد برآمد تا با مداخله در امور داخلی ایران، قطع تجهیزات مورد نیاز ارتش ایران، به ویژه در زمان جنگ تحمیلی، تسویق و تحریک تجزیه‌طلبی و حمایت از برخی گروه‌های داخلی و تسویق و تحریک آنان به مبارزه با نظام جمهوری اسلامی، تغییرات مورد نظر خود در ایران را ایجاد و نظام مطلوب خود را برقرار کند. این مداخله‌های ایالات متحده و مقاومت جمهوری اسلامی، به انقلاب اسلامی چهره ضد استبدادی داد و باعث شد تا الگوی رفتاری این کشور، با نظام سیاسی پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، در راستای بازگرداندن منافع از دست رفته، تبیین گردد.

ایالات متحده که در سطح بین‌المللی انقلاب اسلامی مردم ایران، تلاش‌های فراوانی را برای جلوگیری از پیروزی آن به عمل آورد، به دلیل نداشتن شناخت منطقی از رهبری و ماهیت این انقلاب، نتوانسته بود به اندازه مورد نظر خویش دست یابد، با توجه به مراحل مختلف روند شکل‌گیری و تثبیت نظام جمهوری اسلامی در ایران، از الگوهای رفتاری مشخصی بهره برد.

وقوع این تحولات از دیدگاه کشور عراق که به عنوان مسایه غربی ایران، سابقه دیرینه عداوت و درگیری‌های سیاسی و نظامی با کشور ایران داشت، همان نمی‌ماند. بعثیون، با جدیت تحولات ایران را رصد نموده و فعل و انفعالات آن را دنبال می‌کردند. سردمداران و اعضای حزب بعث عراق، رئیس‌جمهور «حسن البکر» و معاونش «صدام حسین» نیز دلایل متعددی برای انجام این کار داشتند.

اعلام موافقت کشور عراق با قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را نوعی الزام، اجبار و توهین به خود تلقی نموده و منتظر فرصتی بودند تا از زیر فشار بار روانی این موضوع خارج شوند بنابراین، شرایط جدید در کشور ایران را فرصتی استثنائی و غیرقابل صرف‌نظر تلقی می‌کردند که می-

توانست دولت بعث عراق را خیلی زودتر از زمانی که آنها به انتظارش نشسته بودند، به خواسته‌هایش در سطح منطقه و احیای تفاخر عربی به اصطلاح از دست رفته خویش رهنمون سازد. حزب بعث عراق که بر معیارهای غیر مذهبی و با تکیه بر ناسیونالیسم عربی بنیان گذاری شده بود، همواره موفقیت خود را در قالب اتخاذ سیاستی توسعه طلبانه و سیادت بر جهان عرب دنبال می‌کرد. پیروزی انقلاب اسلامی در ایران می‌توانست شیعیان عراق را که با وجود شریعت، از حضور در هیأت حاکمه و حوزه مرکزی قدرت کشور، به کنار گذاشته شده بودند، برای احیای حق حقه و اعاده نشده خود، به حرکتی وسیع و ریشه‌دار وا دارد.

این شائبه، متمسک بسیار خوبی را به نخبگان حاکم عراقی داد تا با بزرگ‌نمایی و انعکاس وسیع آن، حکومت عراق را در معرض خطر صدور انقلاب از سوی ایران اسلامی معرفی نمایند. نکته قابل توجه است که صدام و همکارانش در ادامه این رویه تخاصمی، کمتر به این موضوع پرداخته و مکتوبات افشایی بود را با مطرح ساختن ادعاهای واهی پیرامون خوزستان، اروند رود، سه جزیره ایرانی، تنگ فارس، هرمشهر و دیگر موضوعات مشابه علنی ساختند. کشور عراق در قطب بندی سیاسی و نظامی معمول دهه ۱۹۷۰م، در بلوک شرق قرار گرفته بود لیکن، عملاً مواضع مشخص و ثابتی را در خود نشان نمی‌داد. از این روست که جهانیان شاهد هستند که منافع حزب بعث عراق به برطرف شدن اهداف، سیاست‌ها و راهبردهای آنها بود با آمریکا و حتی شوروی سابق و کشورهای مرتجع منطقه مشترک نبوده و حتی گاهی متضاد و متنوع نیز محسوب شد اما، قراین و شواهد متعدد موجود دارد که به استناد به آنها می‌توان چنین استنباط و باور نمود که جملگی این کشورها ارتباط با یک موضوع و در قالب یک جمله اشتراک داشتند. این جمله عبارت بود از:

«تفرقه در اهداف و داشتن وحدت رویه در تضعیف حکومت جدید ایران»

این مهم‌ترین موضوع و در حقیقت نقطه آغازین مشترکات آمریکا و رژیم بعث عراق تلقی می‌گردد. شایان ذکر است که در این حوزه نباید از شخصیت فردی، دیکتاتور عراق که چند ماه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، قدرت را به دست می‌گیرد، به ستادگی

گذشت. چراکه صدام، فردی مغرور و بسیار جاه طلب بود و با توجه به طرد موقت کشور مصر به علت امضای قرارداد کمپ دیوید از سوی اعراب، سودای رهبری جهان عرب و جانشینی جمال عبدالناصر، را در سر می‌پروراند. سلسله حوادث مهم و تأثیرگذاری که در یک دوره زمانی بسیار کوتاه یک ساله در منطقه غربی آسیا اتفاق می‌افتد، نیز بر سرعت و اهمیت این تحولات می‌افزاید. اگر خروج اکثریت مستشاران آمریکایی از ایران و بستن پایگاه‌های جمع-آوری اطلاعات آنها در ایران که طی دو ماه اول بعد از پیروزی انقلاب اسلامی رخ داده است را در این حوزه، عنوان اولویت‌های اصلی محسوب نشود، به طور حتم و یقین بستن دفتر پیمان سنت در تهران که در اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ رخ داده و به منزله انحلال قطعی این پیمان محسوب می‌شود، با بایستی نقطه آغازین این حوادث برشمرد.

بدیهی است، ادعای افغان‌ستان از سوی ارتش سرخ شوروی سابق نیز که در دی‌ماه همان سال صورت پذیرفت و کوتای نظامیان ترکیه علیه مسلمانانی که در انتخابات مجلس آن کشور اکثریت آراء را کسب کرده و ایران می‌توانستند تشکیل دولت بدهند که در ماه‌های ابتدائی سال ۱۳۵۹ وقوع می‌یافت را بایستی نقطه پایانی این مجموعه از تحولات محسوب و منظور نمود. در این دوره کوتاه زمانی، چندین اتفاق مهم دیگر نیز به وقوع پیوسته که تماماً حکایت از بروز تحولی جدید و عظیم در منطقه می‌نمود. قیام شیعیان عراق بر اساس فتوای شهید صدر، اولین حرکت شیعیان بحرین در مسیر کسب حقوق حقه‌اشان در حوزه سیاسی، راهپیمایی دانشجویان تونسی در سطح دانشگاه‌ها و کشور تحت شرایطی که تمثال حضرت امام خمینی(ره) را آشکارا حمل می‌نمودند، انقالب اسلامی کوتاه مدت مسجدالحرام توسط مخالفین داخلی آل سعود، بالا رفتن قیمت نفت تا حد تقریبی دو برابر حد معمول به علت اعتصاب کارکنان شرکت نفت ایران در سال ۱۳۵۷ و کاهش صدور نفت از شش میلیون بشکه در روز به دو میلیون بشکه که در برنامه‌های دولت موقت قرار می‌گیرد. در ادامه، اظهارات نماینده لیبی در سازمان ملل که مدعی می‌شود «در برابر هر تجاوزی علیه ایران در کنار این کشور خواهند بود»، اشغال لانه جاسوسی توسط دانشجویان پیرو خط

حضرت امام(ره) که به تعبیر معظم‌له انقلاب دوم نام پذیرفت و سرانجام، حمله ارتش اتحاد جماهیر شوروی سابق به افغانستان و اشغال خاک این کشور، مجموعه این تحولات بودند که به شدت دولت‌مردان آمریکا را به وحشت انداخته و باعث گردید تا احساس خلاء و ناامنی در منطقه غربی آسیا بر آنان مستولی شود.

این مهم، با توجه به وسعت ذخایر نفتی، میزان صدور نفت از خلیج فارس و نیاز غیرقابل چشم‌پوشی آمریکا و اروپا به این فرآورده، شرایطی را بوجود آورده بود که حتی احساس از کنترل رنج شدن آن باعث وحشت بلوک غرب می‌گردید. دولت آمریکا خیلی زود نسبت به این وضعیت جدید اعلام موضع نمود و ارتش و سرویس‌های اطلاعاتی آن کشور، به طور مستقیم و غیر مستقیم تلاش را در خصوص محدود سازی دولت نوپای جمهوری اسلامی ایران آغاز نمودند. استفاده از بهره‌گیری سیاسی سوخته و لیبرال‌ها، ایجاد درگیری‌های قومی و فرقه‌ای، بهره‌گیری از احزاب و گروه‌های معاند، حمله نظامی به طبرستان در قالب عملیات پنجه عقاب و بهره‌گیری از محدود کردن آزادی‌های سیاسی و یا غافلین نظامی برای اجرای کودتای نقاب، از جمله این اقدام‌ها هستند که هیچ‌یک از آنها منتج به نتیجه نگردیدند.

وقوع این تحولات، آمریکاییان را به این باور رساند که بایستی با مبنا قراردادن دکترین نیکسون در ارتباط با توسل به جنگ نیابتی در کشورهای آسیایی، به دنبال شناسایی و بکارگیری فرد واجد شرایطی در این خصوص باشند. سلیقه‌های تاریخی، داشتن روحیه ستیزه جویی، تمایل شخصی و داوطلب بودن، مهم‌ترین مؤلفه‌هایی بودند که در ارتباط با فرد مورد نظر می‌توانست ملحوظ نظر قرار بگیرد. بدیهی است که وضعیت داخلی و میزان آمادگی نیروهای مسلح، شرایط ژئوپلیتیکی و جغرافیای سیاسی کشور هدف هم از دیگر عوامل مطرح در این حوزه، محسوب می‌گردیدند. تحت این شرایط، به نظر می‌رسید که صدام مناسب‌ترین فرد و کشور عراق بهترین گزینه برای انجام این مأموریت باشد. آمریکاییان بهتر از مردمان سایر کشورها از سابقه اختلاف چندین ساله ایران و عراق اطلاع داشته و از میزان ناراحتی و سرخوردگی آنها در ارتباط با انعقاد قرارداد ۱۹۷۵- الجزایر به

خوبی آگاه بودند. نتایج حاصله از رصد تحرکات سیاسی- نظامی حکومت بعث عراق که از سال ۱۹۷۴م، آغاز شده بود، نیز آنها را بیش از پیش در این خصوص امیدوار می‌ساخت. به خصوص آنکه صدام را فردی جاه طلب دریافته بودند که برای تحقق آرمان‌هایش، هیچ واژه‌ای از ایجاد جنگ و پذیرش هزینه‌های سنگین آن ندارد.

در چه نوع رفتار دولت‌های آمریکا و عراق در حد فاصل سال‌های ۱۳۵۸ تا تابستان سال ۱۳۵۹ از یک نوع وحدت نظر و همنوایی غیر مستقیم آنها در ارتباط با یک موضوع مشخص حکایت می‌نمود اما، دلایل متعددی وجود داشت که از اعتماد به نفس عراقی‌ها در این خصوص می‌کاست. باور سیاسی مقامات کشورهای مختلف جهان و حتی آنهایی که بسیار خوشبین می‌شود می‌گردیدند در فضای دو قطبی حاکم بر جهان، در مقطع زمانی سال‌های پیروزی انقلاب اسلامی، شروع جنگ تحمیلی، بر این اصل متمرکز شده بود که حتماً نیروهای مسلح آمریکایی به حفظ منافع منطقه‌ای خود، وارد عمل شده و از نیروهای مسلح ایران به‌عنوان یک متحد به‌عنوان در مقابل ارتش حکومتی که در بلوک مخالف قرار دارد، حمایت و پشتیبانی خواهد نمود.

صدام و حزب بعث نیز به شدت نیازمند دریافت علایم و نشانه‌های آشکاری از سوی آمریکایی‌ها بودند. چرا که بعثیون به خوبی آگاه بودند که عدم حمایت آمریکایی‌ها از این طرح، عدم همکاری کشورهای منطقه همچون عربستان سعودی، کویت، اردن، امارات، بحرین و قطر را به دنبال خواهد داشت. تردیدی وجود نداشت که عراقی‌ها بدون برخورداری از پشتیبانی قاطع این کشورها و اطمینان از عدم حمایت دولت آمریکا از کشور ایران، به‌هیچ وجه موفق نمی‌شدند. از این رو، تلاش‌های خود را معطوف به حصول نتیجه در این حوزه نموده و با قوت تلاش کردند تا نظر مساعد آمریکایی‌ها را جلب نمایند. این اقدامات خیلی زود به نتیجه رسید و دولت‌مردان آمریکایی، در مدت کوتاهی بعد از افشای کودتای نقاب و دستگیری عوامل آن، از طریق کشورهای عربستان سعودی، کویت و اردن وارد عمل شده و پیام‌ها و علایمی را منتشر ساختند که براساس آنها، صدام و حزب بعث به طور کامل متقاعد

شدند که طرح حمله و تجاوز آنها به کشور اسلامی ایران مورد پذیرش آمریکاییان و آن دسته از کشورهای منطقه که در حوزه بلوک غرب قرار دارند، قرار گرفته است. تمامی اسناد و مدارک موجود، مؤید این واقعیت است که مساعدت‌های همه جانبه آمریکاییان به حکومت صدام، از همین تاریخ به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم آغاز شده است.

در همین ایام، وقوع بعضی از اقدامات، حوادث و رویدادها نیز باعث تشدید باورهای عراقی می‌گردید و برای دولتمردان بعثی این شائبه را به وجود می‌آورد که در صورت تعلل در این زمینه، یکی از معدود فرصت‌های تاریخی به دست آمده برای حمله به کشور ایران از دست آنها خارج خواهد شد. از جمله مهم‌ترین این حوادث، بایستی به اعزام و حضور ناوگان و نیروهای واکنش سریع آمریکا به منطقه خلیج فارس اشاره نمود که برای اولین بار در تابستان سال ۱۳۵۹ به وقوع پیوست. این شبهه را رایج ساخت که آمریکاییان مترصد حمله نظامی گسترده به ایران هستند که آنها را آمریکاییان که قبل از سال ۱۹۸۰ شروع شده بود، ابتدا مجموعه‌ای از مساعدت‌ها به نام اعطای مالی و نظامی را شامل می‌گردید که مقامات آمریکایی برای جلوگیری از ضرر انطباق ایران و شکست نخوردن صدام در مقابل جمهوری اسلامی ایران به این کشور واگذار می‌نمودند.

اعلام بی طرفی آمریکا در شروع جنگ و عدم حمایت آنها از حکومت ایران که به نوعی تقابل آن کشور با دولت انقلابی ایران نیز تلقی می‌گردیده است همراه با مجموعه‌ای از اتفاقات همچون واگذاری اطلاعات محرمانه جمهوری اسلامی ایران که در ارتباط با حوزه‌های مختلف جمع‌آوری شده بود، موافقت با واگذاری تسلیحات و تجهیزات از سوی کشورهای عربی به عراق، عدم مخالفت با اعطای وام‌ها و مساعدت‌های مالی سایر کشورها به عراق، حمایت سیاسی غیرمستقیم از حکومت بعث عراق در تمامی صحنه‌های بین‌المللی و به خصوص سازمان ملل، تضعیف جمهوری اسلامی ایران که به طرق مختلف و در تمامی حوزه‌هایی که امکان آن میسر بود، انجام می‌گردید، از جمله مصادیق این مساعدت‌ها محسوب می‌شوند که در طول سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۰ از سوی آمریکا علیه ایران، شکل اجرایی به خود گرفته است.

میزان اهمیت و تأثیرگذاری این مساعدت‌ها در حدی بود که بسیاری از ناظران سیاسی و نظامی جهان را به سمت این باور رهنمون می‌سازد که نقش آمریکا، همواره نقشی «محرک» و «تشویق‌کننده» در شروع حمله حکومت بعث عراق به ایران بوده است. عدم توفیق ارتش بعث عراق در تأمین اهدافی که کراراً پیرامون آنها داد سخن سر داده بودند، باعث شد تا خیلی زود بر و بخت همکاری‌های آمریکا با عراق افزوده شود. توفیقات رزمندگان اسلام که منجر به آزادسازی خرمشهر گردید، برای آمریکایی‌ها جای هیچ تردیدی را باقی نگذاشت که بایستی تمام به دفاع از صدام و حکومت وی بپردازند. در تمامی این مدت، هیأت‌های بلند پایه آمریکایی سفارت‌های متعددی به عراق داشتند. اما، واضح‌ترین ملاک و معیار تشخیص رویکرد خصمانه ایالات متحده به ایران را می‌توان حذف عراق از فهرست کشورهای تروریستی در نوامبر ۱۹۸۳ و جایگزین نمودن ایران در همان فهرست در ژانویه سال ۱۹۸۴ (دو ماه بعد) دانست. آمریکا در فاصله یک سال، بهیمه دیپلماتیک خود با عراق را در بالاترین سطح ممکنه از نوامبر ۱۹۸۴ برقرار کرد. در پی این تغییر سیاست، نظارت‌های صادراتی بر عراق کاسته و بالعکس بر نظارت‌های صادراتی ایران افزوده شد.

این روند تا به جایی ادامه یافت که نیمی دنیایی آمریکا در آخرین سال جنگ، در خلیج فارس به بهانه حفاظت از منافع خود و دیگر کشورهای مستقیماً به نفع عراق وارد جنگ شد. این قبیل اقدام‌ها، نتیجه اراده سیاسی ایالات متحده بر حمایت از عراق و اعمال فشار بر ایران در خلال جنگ تحمیلی بود که از سال ۱۳۶۶ تبدیل به مشارکت مستقیم گردید. تحت این شرایط، صدام را نمی‌توان تنها مسئول تمامی این اعمال و فشارها دانست چرا که به طور حتم این شخص، مجری خواسته‌های ناحق و نامشروع دولت مدافع آمریکایی نیز بوده است. این مجموعه از فعالیت‌های جانبدارانه دولت آمریکا در طول هشت سال دفاع مقدس، تحت شرایطی اجرائی می‌گردد که اولاً آنها از ابتدای جنگ، ادعای بی‌طرفی داشتند. در ثانی، براساس توافقات انجام شده در قرارداد الجزایر که در تاریخ ۲۹ دی ۱۳۵۹ برابر با ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱، بین نمایندگان دو کشور امضا شده بود، آمریکاییان به استناد بندهای

مندرج در توافقنامه، موافقت کرده بودند که در امور جاریه ایران دخالت ننمایند. همچنین، آمریکاییان قانوناً موظف بودند که هیچگونه تحریمی را علیه کشور ایران به مرحله اجراء در نیاورند، اما آنها خیلی زود تحریم‌های ثانوی را در ارتباط با کشور ایران اجرائی نموده و تا پایان جنگ و بعد از آن نیز ادامه دادند.

میرزا اهمیت و تأثیرگذاری موضوعات مطروحه باعث گردید تا تصمیم گرفته شود که کتابی تحت عنوان «مواضع آمریکا در جنگ تحمیلی؛ از مساعدت تا مشارکت آشکار» به رشته تحریر درآمده شود که مفاد آن در برگیرنده اسناد، قرائن، امارات، شواهد و مدارک موجودی باشد که دلالت بر حضور، دخالت، مساعدت و مشارکت مستقیم آمریکا در له حکومت بعث عراق در هشت سال جنگ تحمیلی دارد. به همین دلیل، تلاش بسیاری بعمل آمده تا سر حد ممکن، نسبت به گردآوری مطالب و اطلاعات موجود در این حوزه اقدام شود، تا به این ترتیب شرایطی به وجود آید که خوانندگان امر با توسعه رو به رشد، هدفمند و عجولانه روابط آمریکا با حکومت بعث عراق، از اشرافیه و تسلیم براد نفوذ در این حوزه برخوردار شوند.

این کتاب که در قالب یک جلد و مفاد هفت فصل تهیه شده، در نظر دارد تا با مذاقه بر الگوهای رفتاری ایالات متحده آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران، حد فاصل سال‌های پیروزی انقلاب اسلامی و هشت سال دفاع مقدس، به بررسی و تعمق در ارتباط با این موضوع مهم در ارتباط با جمهوری اسلامی ایران پرداخته و صادق عینی و واقعی از دخالت‌های کشور آمریکا در جنگ تحمیلی در حوزه‌های مختلف را مشخص نماید.

این کتاب، موضوعاتی را مورد توجه قرار داده که آگاهی از آنها می‌تواند مخاطب محترم را در ارتباط با چگونگی روابط دو کشور ایران و آمریکا در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی آشنا ساخته و چرائی فعالیت سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا همچون CIA و DIA^۱ در سال‌های قبل از پیروزی انقلاب اسلامی تا قبل از شروع جنگ تحمیلی در ایران، مشخص نماید. در ادامه نیز،

۱- Central Intelligence Agency .

۲- Defense Intelligence Agency.

به بیان زمینه‌های دخالت آمریکا در ایران، در اولین سال‌های بعد از پیروزی انقلاب پرداخته شده تا چرایی بروز اولین حرکات و رفتارهای سیاستمداران آمریکایی علیه ایران اسلامی تشریح و تبیین گردد. بدیهی است که وقوع همین عوامل، باعث به وجود آمدن شرایطی می‌شود که آمریکاییان را با هدف حفظ منافع منطقه‌ای به سمت عراقی‌ها منعطف می‌نماید. گفتنی است که وقوع این حوادث، در مقطعی از تاریخ سیاسی کشور عراق رخ داد که آنها نیز از جهات گوناگون آمریکایی‌ها را برای پذیرش این پیشنهاد را دارا بودند. اولین زمینه‌های ارتباطی بین دو کشور آمریکا با عراق، بالعکس، به صورت غیرمستقیم و از طریق کشورهای عربی منطقه در سال ۱۳۵۸ محقق شده باعث گردیده تا وضعیتی به وجود آید که زمینه‌های مساعدت آمریکاییان در اجرائی نمودن اهداف سرعری عراقی‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران، فراهم گردد.

سه فصل آخر کتاب، مطابق عینی دخالت‌های آمریکا در ایران اسلامی را هدف قرار داده است. در این کتاب، چگونگی برقراری مجدد روابط آمریکاییان با حکومت بعث عراق پرداخته شده است. این روابط که در سال‌های شروع جنگ، جنبه مساعدت غیرمستقیم و غیرعلنی داشته، خیلی زود آشکار شده و سرعت می‌یابد. پیروزی رزمندگان ایران اسلامی در صحنه‌های نبرد که طی سال‌های ۱۳۶۰ به بعد ضرورت می‌پذیرد، موجب می‌شود تا طرفین بر توسعه و علنی شدن این روابط تأکید داشته باشند. در این مقطع به بعد، سیر تحولات بین دو کشور از سرعت و شتاب زیادی برخوردار می‌شود. سرانجام به دخالت مستقیم و حمایت آشکار نظامیان آمریکایی از بعثیون عراقی در سال پایانی جنگ تحمیلی منجر می‌گردد.

تحت این شرایط، فصل یکم کتاب، «پیشینه روابط ایران و آمریکا» نام گرفته است. این فصل، روابط حکومت پهلوی با ایالات متحده آمریکا تا مقطع پیروزی انقلاب اسلامی ایران را مورد اشاره قرار داده و در ادامه نیز به این رابطه تا مقطع شروع جنگ تحمیلی پرداخته و رویدادهای مهم آن مقطع زمانی را تشریح نموده است. آگاهی از این مباحث باعث خواهد گردید تا زمینه‌های لازم برای طرح مباحث جدی‌تر فراهم شود. موضوع مستشاری و تبیین شرایطی که به واسطه حضور مستشاران آمریکایی در طول سال‌های آخر حکومت پهلوی به وجود آمده و

باعث توسعه و تقویت روابط ایران با آمریکاییان گردیده و آنها را نسبت به کشور ایران و منطقه متوقع ساخته بود، از جمله موضوعاتی هستند که در این فصل به آنها پرداخته شده است.

از آنجائی که منافع اقتصادی کشورها، یکی از اصلی‌ترین مؤلفه‌ها در مقطع تنظیم روابط بین کشورها با یکدیگر محسوب می‌گردد، فصل دوم تحت عنوان «روابط اقتصادی ایران و آمریکا در دهه اول انقلاب» به این مهم اختصاص داده شده است. در این فصل نیز به روابط اقتصادی ایران و آمریکا در سه دوره زمانی قبل، هم‌زمان و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران توجه شد و مهم‌ترین فعل و انفعالات آن تبیین و تشریح گردیده است. تردیدی نباید داشت که رفتار اقتصادی آمریکا در طول این جنگ، بیشترین و بالاترین تأثیرات را بر فعل و انفعالات آن به همراه داشته است. چنانچه مسدود نمودن دارایی‌های ایران توسط ایالات متحده آمریکا و در ادامه، مفاد «بیانیه‌های الزام‌آور» به مجموعه‌ای از توافقات دو کشور ایران و آمریکا در سال ۱۳۵۹ را تشکیل می‌دهد، چنانچه بر و یا عدم اجرای این بیانیه‌ها که بیشتر جنبه اقتصادی داشته و به طور حتم، بالاترین تأثیرات را بر سال‌های جنگ تحمیلی داشته‌اند، از جمله موضوعاتی هستند که در این فصل به آنها پرداخته شده است.

«راهبرد نزدیکی آمریکا به عراق»، موضوعی است که برای سومین فصل این کتاب انتخاب شده است. سیاستمداران عراقی که از جنگ ۱۹۷۰-۱۹۷۹ میلادی به‌ویژه با اعراب، روابط سیاسی خود را با دولت آمریکا قطع نموده بودند، برای تقویت شرایط خود در طول جنگ با ایران، به شدت تلاش می‌نمودند تا روابط سیاسی خود را با آمریکا برقرار نموده و آن را رسانه‌ای نمایند. قراین مطرح شده در این فصل اثبات می‌نماید که دولت ایران توانست با همکاری از انجام این کار هیچ ابائی نداشته و حتی راغب به اعلام و رسانه‌ای کردن آن در سطح منطقه و جهان نیز بوده‌اند.

چهارمین فصل این کتاب نیز «تبیین نقش سازمان CIA در جنگ تحمیلی» را دستمایه تحقیق خود قرار داده است. تردیدی وجود ندارد که سیاسیون آمریکایی براساس گزارش‌ها و تحلیل‌های متخذه از سازمان CIA اقدام به اتخاذ تصمیم می‌نمایند. بنابراین، بسیار ساده

انگازانه است که بدون درنظر گرفتن نقش و عملکرد این سازمان در طول دفاع مقدس، خواسته باشیم ردپای ایالات متحده آمریکا را در این جنگ، مورد نقد، بررسی و توجه قرار دهیم. به همین دلیل، آخرین فصل از جلد اول کتاب، به این موضوع بسیار مهم اختصاص یافته و عملکرد سازمان CIA و نتایجی که انجام اقدامات آنها به دنبال داشته، مورد بررسی و تشریح واقع شده است.

در فصل پنجم، به تشریح مستند و متقن کمک‌های اقتصادی دولت آمریکا به حکومت بعث عراق و صدام تحت عنوان «جنگ و روابط اقتصادی آمریکا با عراق» پرداخته شده است. این دو کشور به دلیل سال‌های قبل از جنگ تحمیلی، دارای کمترین روابط اقتصادی بوده‌اند، در کوتاه مدت به دلیل حجم سطح از روابط اقتصادی می‌رسند که کشور آمریکا را به یکی از اصلی‌ترین کشورهای شرک اقتصادی عراق مبدل می‌سازد. کمک‌های اقتصادی و نظامی آمریکا، کشورهای منطقه خلیج فارس، کشورهای جهان که عمدتاً با هماهنگی و یا با بی‌طرفی یکجانبه آمریکاییان در مقابل عراق، قدرت می‌یابند، از جمله موضوعات مهمی هستند که در یک مجموعه مستند و متقن در این مورد مذاقه قرار گرفته‌اند.

ششمین فصل کتاب تحت عنوان «امریکا و عراق در تعامل اطلاعاتی» به چگونگی ایجاد و توسعه روابط اطلاعاتی آمریکا با عراق در آخرین سال‌های دهه ۷۰ و تمامی سال‌های دهه ۱۹۸۰م، پرداخته است. این رابطه در یک دوره زمانی بسیار کوتاه، به حجمی از وسعت و اندازه کاری می‌رسد که باعث می‌شود حکومت بعث عراق به دلیل زود تمامی منافع خود در طول جنگ را فقط در گرو این روابط ببیند. تمامی مستندات گزینده و ارائه شده مؤید این واقعیت مهم هستند که حکومت بعث عراق بدون برخورداری از این همکاری به هیچ وجه قادر به ادامه جنگ نبوده و ملزم به شکست می‌گردید. در پایان این فصل نیز، روز شمار تعامل اطلاعاتی آمریکا و عراق تدوین و مطرح شده است.

نام هفتمین یا آخرین فصل این کتاب، «هشت سال دفاع مقدس» نامیده شده است. بررسی تحولات و رخ دادهای این مدت و همچنین، نقشی که هر یک از دو کشور آمریکا و عراق در آن

دوران ایفاء نموده‌اند، همراه با روز شمار دفاع مقدس در طول این مدت، مهم‌ترین موضوعات و مباحثی هستند که در این فصل به آنها پرداخته شده است. در این فصل، تلاش شده تا با گردآوری و ارائه جدی‌ترین دلایل و قوی‌ترین مستندات که عمدتاً برگرفته از کتب و مدارک به رشته تحریر درآمده توسط نویسندگان آمریکایی و اروپایی است، اثبات کننده حضور آشکار آمریکاییان در تمام سال‌های دفاع مقدس و به خصوص سال پایانی جنگ تحمیلی می‌باشد.

یکی از مهم‌ترین نکات و موضوعاتی که در طول این چند فصل در خصوص روابط آمریکا با عراق، قابل‌تعمق بوده و به اثبات نیز رسیده است، سرعت رو به رشد و توسعه روابط دو کشور در حوزه‌ها و زمینه‌های مختلف کاری است که دلالت بر تمایل و اراده رهبران این دو کشور دارد. همانگونه که قبلاً در مورد اشلای قرار گرفت، وجه مشترک این رهبران و سیاستمداران «مخالفت با نظام نوپای جمهوری اسلامی ایران» در منطقه بود. این مجموعه از فعالیت‌های جانبدارانه دولت آمریکا در طول هشت سال دفاع مقدس، تحت شرایطی اجرائی می‌گردد که اولاً آمریکایی‌ها از ابتدای جنگ، دایه بی طرفی داشتند. ثانیاً، براساس توافقات انجام شده در قرارداد الجزایر که در تاریخ ۲۹ دی ۱۳۵۹ برابر با ۱۹ ژانویه ۱۹۸۰، بین نمایندگان دو کشور ایران و آمریکا امضاء شده بود، آمریکاییان به استناد بندهای مطرح در آن توافقنامه، موافقت کرده بودند که در امور جاریه ایران دخالت ننمایند. همچنین، آمریکاییان تعهد می‌نمودند که هیچگونه تحریمی را علیه کشور ایران به مرحله اجراء در نیاورند، اما آنها خیلی زود به تعهدات خود عملی را در ارتباط با کشور ایران اجرائی نموده و تا پایان جنگ و بعد از آن نیز ادامه دادند. در پایان، بر اینجانب فرض است که از تمامی نخبگان، فرهیختگان، روشنفکران، اساتید، صاحبان قلم و اربابان جراید که در تألیف و گردآوری این مجموعه بنده را یاری فرموده‌اند، به خصوص امیر ریاست محترم هیأت معارف جنگ شهید سپهبد علی صیادشیرازی سرتیپ ستاد ناصر آراسته که ضمن واگذاری نظرات و تجربیات خودشان، گام به گام در جمع بندی نتایج پژوهش و مطالعات انجام شده، اینجانب را مورد راهنمایی قرار دادند و همچنین، امیر سرتیپ بازنشسته سید ناصر حسینی که در مراحل مختلف کار با ارائه دیدگاه‌های عملی خود بنده را

یاری فرمودند، تشکر و قدردانی به عمل آورده و سپاسگزاری مخصوص خود را خدمت تمامی صاحب نظران و مسئولان حوزه دفاع مقدس تقدیم نمایم که با راهنمایی و همکاری‌های بی‌شائبه خودشان، شاگرد نوازی نموده و اینجانب را در انجام این رسالت بزرگ یاری فرمودند.

از محضر خداوند متعال مسئلت می‌نمایم که اگر برای انجام این تکلیف، اجری در نظر گرفته شد، آن هم از سوی این بنده کمترین، خالصانه پیشکشی باشد به ساحت مقدس حضرت امام خمینی(ره) و تمامی رزمندگانی که به تأسی از فرامین رهبر و امام(ره) خویش در آن سال‌های پر از حادثه، مشقت‌ها و مصایب را تحمل نموده و برگ زرین دیگری به مجموعه افتخارات و شجاعت‌های بی‌دری اسلامی ایران افزودند. همچنین، اجر حاصله از نوشتن این کتاب را خالصانه تقدیم می‌نمایم به ساحت مقدس پدر بزرگوارم، مرحوم حاج ابوالقاسم عسگری و مادر گرانمایه‌ام، این استقالت ابرارام و تکریم، ذریه حضرت ختمی مرتبت(ص) حاجیه خانم افجه که تمامی زندگانی و توفیقات احتمالی خویش را مدیون آنها هستم و همچنین، همسر و فرزندان عزیزم که با صبر و تحمل و ایثارهای بی‌شمار برای اینجانب به وجود آوردند که در نهایت منجر به توفیق تألیف و تدوین این کتاب گردید. ان شاء الله

و من الله التوفیق؛

شاداب عسگری